

Research Paper

DOI: 10.22034/JRAL.2023.400489.1031

The New Reading of Quran Application and Hadis Sharif in Poem of Christian Arabic Poets(Case Study: Alaviat Juzef Alhashem)

Touraj zinivand¹

(Received:04.06.2023 , Accepted:05.08.2023)

Abstract

Juzef Alhashem is one of well-known poets and politicians of Lebanon in our contemporary time who has used the art of poem as the hole to express his faithful, religious reflections. This intellectual, liberal poet has connected Ahl Beyt's friendship and praising with Quran narration and instruction, he is a Shieh, Muslim, chivalrous poet. His main findings of study show that poet has used Quran, Hadis Sharif in two ways, indirectly and directly. The poet's goal is to choose such approaches, not to ornament his poem, to make a list of some of Quran verse, Islamic hadis, instead his main ideal is to show facts, documental, textual truth of Shieh, to recite the tools and the fields of historical events in the apex of Islam, in order to call today's audience's knowledge, lesson, understanding, resistance, Jahad against occupying regime of Quds to follow Ahl Beyt(God blesses them).

Keywords: Juzef Alhashem, Quran, Hadis Sharif, Contemporary Arabian Poet, Christianity, Islam History.

¹. Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah- Iran (corresponding author) Email: t_zinivand56@yahoo.com.



مقاله پژوهشی

DOI: 10.22034/JRAL.2023.400489.1031

خوانشی نوین از کاربرد قرآن کریم و حدیث شریف در شعر شاعران مسیحی عرب
(مطالعه مورد پژوهش: علویات جوزف الهاشم)

تورج زینی‌وند^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴)

چکیده

جوزف الهاشم، یکی از سیاستمداران و شاعران برجسته لبنان در روزگار کنونی ما می‌باشد که هنر شعر را به عنوان روزه‌ای برای بیان اندیشه‌های متعهد و مذهبی خویش قرار داده است. این شاعر فرهیخته و آزاداندیش، دوستی و ستایش اهل بیت (ع) را چنان با آموزه‌های قرآنی و روایی پیوند داده است که تصور می‌شود؛ یک شاعر مبارز مسلمان و شیعی است. یافته‌های اساسی این پژوهش، در این است که شاعر در بهره‌گیری از قرآن کریم و حدیث شریف بر دوگونه کاربرد مستقیم و غیر مستقیم عمل نموده است. هدف شاعر از گزینش چنین گرایشی، تنها زینت‌بخشی به شعر یا فهرست نمودن پاره‌ای از آیات قرآنی و احادیث اسلامی در شعر نیست، بلکه آرمان بنیادی ایشان از اهتمام به چنین رویکردی، بیان حقانیت مستدل و مستند مکتب تشیع، بازکاوی و بازخوانی اسباب و زمینه‌های ایجاد برخی رخدادهای تاریخی صدر اسلام و فراخوانی مخاطبان امروزی به بصیرت، عبرت، آگاهی، مقاومت و جهاد علیه رژیم اشغالگر قدس و پیروی از سیره اهل بیت (ع) است.

واژگان کلیدی: جوزف الهاشم، قرآن کریم، حدیث شریف، شعر معاصر عرب، مسیحیت، تاریخ اسلام، ادبیات پایداری.

^۲ . استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه- ایران:



۱. مقدمه

۱-۱. تعریف موضوع و بیان مسأله

جوزف الهاشم معروف به «وزیر سابق» سیاستمدار، شاعر و نویسنده معاصر مسیحی لبنان است که در سال ۱۹۳۵م در روستای «برجین» (منطقه‌ی شوف) چشم به جهان گشوده است. خانواده جوزف، آنگونه که خود شاعر نیز در پیشگفتار گلچین شعری «علویات» گفته است، از دوستان و مریدان اهل بیت (ع) هستند. چنین اردات و شیفتگی صادقانه از سوی یک شاعر مسیحی، امری ارزشمند و ستودنی و مصداقی روشن بر این آیه شریفه است: «وَلْتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قِسِيَّيْنٌ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» (مانده/۸۲)

تحصیلات ابتدایی شاعر در همان روستای برجین سپری شده و دوران متوسطه را در مدرسه «الحکمة» بیروت گذرانده است. پس از آن، رشته زبان و ادبیات عربی را در دانشگاه «سن جوزف» برگزید و بعد از آن به عنوان آموزگار در مدارس، مراکز علمی و روزنامه به کار مشغول شد. جوزف بعدها به حزب «الکتاب» پیوست و بخش رادیویی «صدای لبنان» را تأسیس و به صورت جدی و رسمی، پای به عرصه سیاسی لبنان نهاد. وی مناصب گوناگونی از جمله: وزیر امور اقتصادی، وزارت برق و ارتباطات، وزیر امور اجتماعی و... را عهده‌دار شد. جوزف، ضمن سفر به ایران (دیدار با رهبری معظم انقلاب) و سوریه، چکامه‌های حماسی و متعهد خود را ارائه نموده است و مجموعه شعری علویات - که محور این جستار است - با مقدمه علامه سید محمدحسین فضل الله (رحمه الله تعالی) به زیور طبع آراسته گردیده است. وی آثار شعری و نثر گوناگونی دارد که در زیر به برجسته‌های آثار ایشان اشاره می‌شود:

۱. اصوت لبنان في حرب الستين (۱۹۷۷م)

۲. ابوالطيب المتنبي: شاعر العنقوان و الطموح (۱۹۸۲م)

۳. الفارابی: دراسة و نصوص (۱۹۸۶م)

۴. علویات: قصائد من وحي الإمام علي (۱۹۹۹م)

جوزف در گلچین علویات، پیوندی ناب و صادقانه از اندیشه‌های مسیحی و اسلام ارائه می‌دهد. این مجموعه، شامل پنج قصیده بلند است؛ انسان هستی یا امامی برای همه‌ی زمان‌ها، قرآن بشری، نوری از آن نور، گرامیداشت اهل بیت (ع) و عروسی قانا است. شاعر در این پنج قصیده، توانسته است با توانایی و دانش زیاد، آموزه‌های اسلامی، بویژه آموزه‌های قرآنی و روایی را بکار ببرد. آنچه که نگارنده در این جستار به بررسی آن می‌پردازد، تحلیل بازتاب آیات قرآنی و حدیث شریف در شعر ایشان و یافتن استنادهای معتبر آموزه‌های روایی است.

به هر حال، شاعر، در بیشتر قصایدش پس از طرح و تحلیل مباحثی که غالباً به بازکاوی و بازخوانی اسباب انحراف در تاریخ و جامعه اسلامی اختصاص دارد، در پی آن است که پیام بصیرت، بیداری، امید و مقاومت را به مخاطبان برساند. از این رو، وی بهترین گزینه را برای رسیدن به این اهداف، در پیروی از آموزه‌های دینی و سیره‌ی اهل بیت (ع) می‌داند؛ به همین سبب، کاربرد آیات و احادیث، جایگاه مهمی در شعر وی دارد. جوزف، برخلاف برخی از شاعران که تنها به بهره‌گیری سطحی لفظی یا معنوی از قرآن و حدیث بسنده نموده‌اند، قرائت نوینی از این رویکرد ارائه می‌دهد. این خوانش نوین، همان پیوند میان آموزه‌های دینی و جریان مقاومت معاصر است.

۱-۲. اهميت و ضرورت تحقيق

تأثير پذيرى شاعران مسلمان از قرآن و حديث، امرى چندان شگفت و تازه نيست، اما اينكه شاعرى از كيش و آيين ديگرى با عاطفه‌اى صادق و مهارتى مثال‌زدنى از اين آموزه‌ها تأثير پذيرد، بسيار ارزشمند و ستودنى است. علامه سيد محمد حسين فضل الله در مقدمه اين ديوان، ضمن ستايش فراوان آن، چنين مى‌گويد:

«اينكه يك شاعر مسيحي، شعري را در ستايش اهل بيت بزرگوار پيامبر (عليهم السلام) بسرايد و در مورد برخى از رخدادهاى تاريخى و مباحث كلّى و جزئى آن كه بحث و جدال بسيارى درباره آنها وجود دارد، گفت و گو كند، ارزشمند است... او در سلسله نسبش، يك هاشمى شيعى است.» (الهاشم، ۱۹۹۹، مقدمه‌ى علامه: ۵ و ۸)

خود شاعر نيز در مقدمه همين ديوان از انس و الفت خانودگى‌اش نسبت به آموزه‌هاى دين اسلام چنين ابراز داشته است:

«زمانى كه جوان بودم، محيط خانوادگى ما به خاطر نسبتش با اهل بيت (ع) پيوسته به خود مى‌بايد... و هر كس كه نهج البلاغه را بخواند شيفته على مى‌شود...» (همان: ۸).

۱-۳. روش تحقيق

نگارنده در اين پژوهش توصيفى - تحليلى (تفسير و تحليل روشمند چگونه بودن موضوع) ابتدا به استخراج آيات و احاديث از ديوان شاعر پرداخته و سپس در بخش احاديث با استناد به منابع معتبر تاريخى و حديثى به استنباط و معرفى پيام‌ها و اهداف شاعر از اهتمام به چنين رويكردى پرداخته است.

۱-۴. پيشينه پژوهش

تاکنون پژوهشى در اين زمينه صورت نگرفته و تنها خود شاعر در پانوشت برخى از ابیات، به برخى از اين احاديث، اشاره‌اى غيرمستند نموده است. البته، زينى‌وند در سه مقاله - به زبان عربى - به تحليل برخى ابعاد و زواياى شعر اين شاعر پرداخته است:

۱. ملامح ادب المقاومة فى شعر جوزف الهاشم (۱۳۹۰): نویسنده این مقاله به بررسی بن مایه‌هاى ادبیات پایداری در شعر ایشان پرداخته است.
۲. دراسة نقدية لقصيدة مشعل الثورتين للشاعر جوزف الهاشم (۱۳۹۱): این مقاله به تحليل شعر عاشورایی شاعر در ستایش امام حسين (ع) و حضرت زينب (س) اختصاص دارد.
۳. شخصية الإمام علي (ع) في الشعر المسيحي المعاصر: دراسة نموذجية: علویات لجوزف الهاشم (۱۳۹۲): در این مقاله نيز به تحليل محتوایی وصف امام على (ع) در ديوان علویات پرداخته شده است.

۱-۵. پرسش تحقيق

شاعر در کاربرد مستقيم و غيرمستقيم آيات قرآنى و حديث شريف در پى بيان چه پيام يا پيام‌هاى است؟

۲. پردازش تحليلى موضوع

- ۱-۲. ولايت امام على (ع) در پرتوى آيه انذار، تبليغ و سه حديث دار، غدیر و قرطاس جوزف برای بيان موضوع ولايت اهل بيت (ع) ابتدا به طرح آياتى از قرآن كريم مى‌پردازد. سپس به احاديثى كه در تفسير و تبیین این آيات از سوى پيامبرگرامى اسلام (ص) آمده است، اشاره مى‌كند:
- أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْفَرَبِيَّ... «لَقَدْ سَمِعُوا مَا قَالَ رَبُّكَ إِنَّ لَمْ يَفْهَمُوا كَذَّبُوا

(الهاشم، ۱۹۹۹: ۳۵)

(ترجمه: اینان به تحقیق آنچه که که خداوند در آیه انذار فرموده است، شنیده‌اند، اگر آن را نفهمیده-
اند، آیات الهی را تکذیب کرده‌اند.)

این بیت شاعر، اشاره به آیه ۲۱۴ سوره شعراء دارد: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء/۲۱۴) پس از نزول این آیه شریفه که به «آیه انذار» نیز مشهور است، پیامبر گرامی اسلام (ص) فرزندان بنی‌هاشم را جمع کرده و در حالی که به امام علی (ع) اشاره می‌نمود، چنین فرمودند: «إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِيكُمْ» (کنز العمال: ج ۶: ۳۹۲ و ۳۹۷) این حدیث به «حدیث دار» مشهور است. و در این بیت، آیه «اکمال دین» را مطرح می‌کند:

۱- الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ فَسَبِّحُوا اللَّهَ فِي إِتْمَامِ نِعْمَتِهِ
۲- إِنَّ يَجْهَلَ النَّاسُ وَالتَّنْزِيلَ مُرْتَسِمٌ فَمُ يَا رَسُولُ وَبَلِّغْ وَحْيَ آيَتِهِ

(همان: ۴۹-۵۰)

(ترجمه: ۱. ای امت اسلام! امروز دینتان را کامل نمودم. خداوند را به سبب کامل نمودن نعمتش، تسبیح (ستایش) بگویید. ۲. اگر مردم در باب حقانیت خلافت او شک بورزند، در حالی که این مسأله در قرآن نیز موجود است. پس ای رسول برخیز و آیه وحی را به ایشان ابلاغ کن!)
این دو بیت، اشاره به دو آیه از سوره مبارکه مائده دارد. شأن نزول یکی از آن دو به قبل از حدیث شریف غدیر و دیگری به بعد از اعلام ولایت امام علی (ع) برمی‌گردد:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»
(مائده/ ۳ و ۶۷)

شاعر پس از طرح این موضوع به حدیث متواتر غدیر و جریان حجة الوداع اشاره نموده و چنین می‌گوید:

۱- هَلَّ الْغَدِيرُ بِأَسْرَابِ الْحَجَّاجِ، وَ مَا تَبَاطَأَ الرَّكْبُ، يَشْدُو فِي مَسِيرَتِهِ
۲- وَلِيٌّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، وَ سَيِّدُهُ يَا أَيُّهَا الْقَوْمُ سَبِّرُوا تَحْتَ رَأْيَتِهِ

(همان: ۴۹-۵۰)

(ترجمه: ۱. باران رحمت الهی در غدیر بر گروه حاجیان بارید. آنان سستی نکرده و در مسیرشان آواز خوشحالی می‌خواندند. ۲. این علی، ولی و سرور هر کسی است که من مولای اویم. ای قوم! زیر پرچم او حرکت کنید؛ (از او پیروی کنید).)

این ابیات اشاره روشنی به آیات ذکر شده در روز ۱۸ ذی حجة سال دهم هجری در منطقه غدیر خم دارد که پیامبر دستور توقف کاروانیان را داده و دست مبارک امام (ع) را گرفته و چنین فرموده است: «أَلَسْتُ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ قَالُوا بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مِنَ الْوَالِهِ وَ عَادِ مِنْ عَادَاهُ» (تاریخ یعقوبی، ج ۲: ۱۱۱-۱۱۲/المستدرک علی الصحیحین: ۹۱۷)

در جای دیگری نیز حدیث دار و غدیر را این‌گونه با هم ذکر نموده است:

وَزِيرُهُ فِي حَدِيثِ الدَّارِ مَا فَطَنُوا وَلِيٌّ مَنْ كَانَ مَوْلَاهُ... فَمَا احْتَسِبُوا

(همان: ۳۶)

(ترجمه: خبر وزارت علی را در حدیث دار، درک نکردند و نیز ولایت او را در حدیث غدیر، نادیده گرفتند.)

و در قصیده «ضوء من الضوء» نیز به همین شیوه عمل نموده است:

۱. يَوْمَ الْعَدِيرِ، وَقُلُّ: مِنْ قَبْلُ كَمْ طَرَبْتِ
 ۲. أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْفُرَبِيَّ، فَأَنْذَرَهَا
 ۳. وَزَيْرُهُ فِي حَدِيثِ الدَّارِ، وَارْتُهُ
 أَدُنُّ النَّبِيَّ، وَ زَقْتُ هَمْسَ عَزْتِيَه
 فَأَطْرَقَ الْقَوْمُ إِلَّا زَوْجَ ابْنَتِيَه
 وَصِيئِهِ، وَ وَلِيَّ بَعْدَ عُرْبَتِيَه

(همان: ۴۸-۲۹)

(ترجمه: ۱. در مورد روز غدیر و بگو: پیش از غدیر، چه بسیار که گوش‌های پیامبر به شوق آمده و زمزمه بزرگی و عزتش را سر داده است. ۲. از جانب خداوند، وحی شد: خویشاوندان نزدیکت را بیم و خیر بده. پس پیامبر (ص) ایشان را بیم داده همه ترسیدند به جز همسر دخترش (علی). ۳. وزیرش در حدیث دار، میراث‌دار او، جانشین و ولی او بعد از رفتنش.)
 اما در باب «حدیث قرطاس» که به هنگام رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) گفته شده است، نیز چنین سروده است:

فَدَعَا إِلَى التَّنْوِينِ، إِلَّا أَنَّهُمْ حَطَفُوا الدَّوَاةَ وَ ضَاعَتِ الْأَقْلَامُ

(همان: ۱۹)

(ترجمه: پس، پیامبر، مردم را به نگارش وصیت و تعیین خلیفه فراخواند؛ اما آنها دوات را دزدیده و قلم‌ها نیز گم شد.)

همانطور که گفته شد؛ شاعر در این بیت به «حدیث قرطاس» اشاره می‌کند. این حدیث از سوی پیامبر (ص) به هنگام لحظه‌های پایانی عمرش بیان گردیده است. آنگاه که درخواست آوردن قلم و کاغذ و جوهر می‌کند، اما نزدیکان از انجام این فرمان، امتناع نمودند: «أَتُونِي بِدَوَاةٍ وَ صَحِيفَةٍ أَكْتُبُ لَكُمْ كِتَابًا لَا تَضِلُّونَ بَعْدَهُ». (ر. ک: صحیح البخاری، ج ۳: ۱۱۱ / صحیح مسلم، ج ۳: ۱۲۵۹ / مسند احمد بن حنبل، ج ۱: ۲۹۳) رسائل و مقالات سبحانی، ج ۴۱۴: (۱)
 ۲-۲. بیان منزلت و جایگاه امام علی (ع)

يُحِبُّهُ مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ، يُبْغِضُهُ مَنْ أَبْغَضَ اللَّهَ، يَفْضِي فِي ضَلَالَتِهِ

(همان: ۵۰)

(ترجمه: هر که خداوند را دوست بدارد، او را نیز دوست می‌دارد و هر که او را دشمن می‌دارد، خداوند را نیز دشمن می‌داند و در گمراهی خویش می‌ماند.)

شاعر در این بیت به حدیث دیگری از پیامبر (ص) در باب منزلت امام علی (ع) در نزد خداوند و پیامبر (ص) دارد: «مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَمَنْ أَبْغَضَنِي فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ» (المعجم الكبير: ج ۲۳: ۳۸۰ ح ۹۰۱، ذخائر العقبی: ص ۱۲۲، تاریخ دمشق: ج ۴۲: ۲۷۱ ح ۸۸۰۱ کلها عن أم سلمة و: ۲۷۰ ح ۸۸۰۰؛ المناقب للكوفي: ج ۲: ۴۸۱ ح ۹۸۰ كلاهما عن يعلى بن مرة الثقفي، الاحتجاج: ج ۱: ۳۴۷ ح ۵۶ عن سليم بن قيس عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله، جامع الأخبار: ۵۴ ح ۶۷ / دانش نامه امیرالمؤمنین (ع) بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ج ۱۲: ۱۸۳)

اما حدیث مشهور «منزلت» نیز از اندیشه شاعر، پنهان نمانده و چنین سروده است:

كَمَثَلِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى بِمَنْزِلَةٍ إِلَّا النَّبُوءَةَ، تَبَقَى رَهْنٌ سَاعَتِهِ

(همان: ۴۹)

(ترجمه: مثلی او به مانند مثلی هارون برای موسی است. البته به جز در مسأله‌ی نبوت که آن هم در گرو زمان می‌ماند.)

که اشاره به حدیث مشهور پیامبر(ص) در منزلت امام(ع) به هنگام جانشینی ایشان در غزوه تبوک دارد:

«أنت منى بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي» (مسند احمد، ج ۱: ۱۷۰/مسند احمد، ج ۱: ۱۷۹/صحيح البخارى، ج ۴: ۲۰۸/سنن ابن ماجه، ج ۱: ۴۵/سنن الترمذى، ج ۵: ۳۰۴) به هرحال، سخن شاعر و حدیث شریف در چارچوب این آیات شریفه قرار می‌گیرد:

« وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي » « هَارُونَ أَحِي » « اَشْدُدْ بِهِ أَزْرِي » « وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي » (طه/۲۹-۳۲)

۲-۳. حدیث ضوء من الضوء

۱- عَرِيْنَةُ الشَّامِ، غَنِي يَوْمَ طَلَعَتْهُ
وَسَجِي اللهُ فِي ذِكْرِي وَلَادَتِهِ
۲- يُطَلُّ كَالضُّوِّ مِنْ ضَوْءٍ وَ يُنْشَرُّه
كَالْبَدْرِ يَعْكِسُ شَمْسًا وَ هُجَّ جَبْهَتِهِ

(همان: ۴۵)

(ترجمه: ۱. ای بیشه شام، روز دمیدنش (ولادت امام علی) ترانه سرده (شادباش) و در زادروز ولادتش، پروردگارا تسبیح بنمای. ۲. به مانند نور از نور فرود می‌آید و آن را در همه جا می-گستراند؛ به مانند ماهی که درخشش پیشانی‌اش، نور خورشید را منعکس می‌سازد.)

این سخن شاعر به مناسبت زادروز ولادت امام علی (ع) و در قصیده‌ای با نام «ضوء من الضوء» آمده است. شاعر این قصیده را در سال ۱۹۹۳ و در کتابخانه ملی اسد به هنگام برگزاری کنفرانس رایزنی جمهوری اسلامی بیان کرده است. اما حدیث مشهوری که شاعر بدان اشاره نموده و عنوان قصیده را از همان حدیث شریف برگرفته است، نیز چنین است: «أنا من الرسول كالضوء من الضوء» (مجموعه الأحادیث الحكم، ج ۱، ح ۲۶۹۳)

۲-۳. حدیث باب العلم

سَيِّدَ الْبَيَّانِ وَ بَابَ الْعِلْمِ مُشْتَرِعًا
وَأَلْفَهُ مُذْ كَانَ، نَهَجٌ مِنْ بَلَاغَتِهِ

(همان: ۴۵)

(ترجمه: او سرور سخن و باب علم احکام الهی بوده و فقه از آن زمان که وجود داشته، شیوه و گونه‌ای از بلاغت و سخنوری وی به شمار آمده است.)

که اشاره به این حدیث مشهور دارد: «انا مدینه العلم و علی بابها فمن اراد العلم فلیات الباب» (حلیه الاولیاء، ج ۱/۶۴، فضائل الخمسه من الصحاح الستة، ۲/۲۴۸، تاریخ الخلفاء، ۱۷۰، اعیان الشیعه، ج ۱/۳۴۱/دایرة المعارف تشیع، ج ۶: ۱۵۲)

۲-۴. حدیث رایث

عَلَى يَدَيْهِ يَبِّمُ الْفَتْحُ، كَمْ حَقَّقَتْ
سُيُوفٌ رَبَّكَ ظِلًّا فَوْقَ جَبَّتِهِ

(همان: ۴۷)

(ترجمه: پیروزی نهایی، با توان و قدرت دست اوست که کامل می‌شود، و چه بسیار شمشیرهای پروردگارت که به عنوان سایه‌ای بر بهشت او فرود آمده است.)

در روز خیبر بعد از شکست صحابه و بازگشتشان، رسول اکرم فرمودند: «لأعطين الراية اليوم رجلا يحب الله ورسوله أو يحبه الله» (مسند احمد، ج ۴: ۵۲/صحيح البخارى، ج ۵: ۷۶/صحيح مسلم، ج ۵: ۱۹۵/سنن ابن ماجه، ج ۱: ۴۵/سنن الترمذى، ج ۵: ۳۰۲/فضائل الصحابة، ۱۶/السنن الكبرى، ج ۶: ۳۶۲/شرح نهج البلاغة، ابن أبي الحديد، ج ۱۳: ۱۸۶/الوافى بالوفيات، الصفدى، ج ۲۱: ۱۷۸)

مصراع دوم بیت شاعر به این حدیث شریف از پیامبر(ص) نیز اشاره دارد که آن حضرت درهای بهشت را در زیر سایه شمشیرها دانسته‌اند: «الجنة تحت ظلال السيوف» (نهج الفصاحة: ۱۱۵/ح ۵۷۶).

2-5. حدیث ثقلین

نَقَضُوا حَدِيثَ الدَّارِ وَ الثَّقَلَيْنِ، هَلْ صَدَقُوا؟ وَ هَلْ وَحِيَ الْغَدِيرَ عَمَامٌ

(همان: ۱۹)

(ترجمه: حدیث دار و ثقلین را نادیده گرفتند. آیا آنها راست گفتند؟ آیا وحی در روز غدیر؛ امری دروغین و ساختگی است؟)

شاعر در مصراع اول به دو حدیث «دار» و «ثقلین» و در مصراع دوم نیز به حدیث «غدیر» اشاره نموده است. در باب دو حدیث دار و غدیر پیش از این سخن گفته شد. اما حدیث ثقلین که از احادیث معتبر و متواتر است، نیز چنین است: «إني تارك فيكم الثقلين ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا بعدي أبداً وهما كتاب... و عترتي أهل بيتي و إيهما لن يفترقا حتى يردا عليّ الحوض» (صحیح مسلم، ج ۴: ۱۴۹۲/حدیث الثقلین: ۹-۱۰/ مستدرک الوسائل ج ۱۱: ۳۷۲/ وسائل الشیعه ج ۲۷: ۳۳/ مسند احمد، ج ۳: ۱۴).

2-6. حدیث أفضاكم عليّ

مَحَجَّةُ النَّاسِ، أَفْضَاهُمْ وَ أَعْدَلُهُمْ أَذَقُ، أَنْصَفُ، أَدْعَى، فَوْقَ مَا يَجِبُ

(همان: ۳۴)

(ترجمه: حجت مردمان، قاضی‌ترین، عادل‌ترین، دقیق‌ترین، منصف‌ترین ایشان، دعوت‌کننده‌ترین آنان و برتر از آنچه که لازم است باشد)

که اشاره به به این حدیث پیامبر(ص) درباره امام علی(ع) دارد: «أفضاكم عليّ» (تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۳: ۲۷ح ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲/حلیه الاولیاء، ج ۱: ۶۵/ المستدرک للحاکم ج ۳: ۳ و ۵/ أنساب الاشراف للبلاذری، ج ۲: ۹۷ ح ۲۱ و ۲۳/ احقاق الحق، ج ۸: ۶۱/ الاستیعاب بهامش الاصابة، ج ۳: ۳۹ و ۴/ الطبقات الكبرى لابن سعد ج ۲: ۳۳۹ و ۳۴/ تذکرة الحفاظ ج ۳: ۳۸/ أخبار القضاة، ج ۱: ۸۸/ المناقب للخوارزمی: ۴۷/ أسنى المطالب للجزری: ۷۲/ البداية و النهاية ج ۷: ۳۵۹/ تاریخ الخلفاء: ۱۱۵/ الغدیر ج ۳: ۹۷).

2-7. حدیث مقاتله

إِنْ بَرَدَتْ هُدْنَةُ التَّنْزِيلِ سَاعِدُهُ كَانَ الْقِتَالُ عَلَى التَّوِيلِ وَالْعَلْبُ

(همان: ۳۳)

(ترجمه: اگرچه نزول وحی با کمک بازویش آرام گرفت، اما دیری نپایید که نبرد و جهاد وی برای تأویل قرآن بوده است.)

که اشاره به این حدیث شریف پیامبر در خطاب به امام علی(ع) دارد: «إتک تقاتل علی تأویل القرآن كما قاتلت علی تنزیله» (الفصول المهمة في أصول الأئمة، ج ۱: ۶۷۴، ح ۱۰۶۲)

2-7. فاطمه (س)، پاره تن رسول

بِنْتُ الرَّسُولِ، وَبَعْضُ مِنْهُ، إِنَّ بِهَا تُصَانُ دُرِّيَّةٌ لِلْبَيْتِ وَالْحَرَمِ

(همان: ۵۸)

(ترجمه: فاطمه دختر رسول خدا و پاره‌ی تن اوست که بواسطه‌ی او، نسل رسول خدا و اهل بیت (ع) حفظ شده است.)

که اشاره به این سخن پیامبر(ص) در شأن حضرت فاطمه (س) دارد: «فاطمة بضعة مني فمن أغضبها فقد أغضبني». صحیح بخاری جزء ۱۲: ۴۸۴ / صحیح مسلم ج ۱۲: ۲۰۳ / سنن ترمذی ج ۱۲: ۳۷۰ / صحیح مسلم (فضل فاطمه (بنت النبی) ج ۱۲: ۲۰۳ و ۱۴۱ / مسند احمد جزء ۳۲: ۳۴۹ / مستدرک الصحیحین حاکم نیشابوری ج ۳: ۱۵۴ / سنن کبری للنسائی ج ۵: ۱۴۷ / حلیه الاولیاء جزء ۲ ص ۴۰ / تفسیر الایات الاحکام ج ۱: ۲۰۳ / جامع الاحادیث ج ۱۰: ۴ / جامع الاصول فی احادیث الرسول ج ۹: ۱۲۶ / صحیح کنوز سنه النبویه ج ۱: ۱۶۳ / کنز العمال فی سنن الاقوال ج ۱۲: ۱۰۷ / تفسیر الثعالبی ج ۴: ۳ / احکام القرآن لابن العربی ج ۲: ۴۹۲ / الاحاد والمثنائی ج ۵: ۱۳۲ / تهذیب التهذیب ابن حجر ج ۱۲: ۳۹۲ / میزان الاعتدال ذهبی ج ۲: ۴۹۲ / الصواعق المحرقة: ۱۹۰ / تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ج ۳: ۱۵۶، ج ۶: ۲۱۹، ج ۷: ۱۱۱).

۸-۲. حدیث شهادت امام حسین (ع)

۱- أَلَيْسَ يَوْمٌ وُلِدْتُ، ارْتَابَ جَدُّكَ فِي
بَغِي عَلَى لَوْحَةِ التَّارِيخِ مُرْتَسِمٍ
۲- أَتَاهُ جَبْرِيلُ بِالذَّهْبِاءِ يُنْبِئُهُ
بِكَرْبَلَاءِ، بِسُفْكِ الدَّمِ فِي الْحُرْمِ

(همان: ۵۹)

(ترجمه: ۱. آیا در آن روز که تو زاده شدی، جدت حقیقت ستمی را که در حق تو بر صحیفه تاریخ، نقش می‌بندد، پیشگویی نکرد. ۲. جبرئیل، هراسان او را از مصیبت و ریختن خونی در کربلا خبر داد که در ماه‌های حرام (محرم الحرام) ریخته می‌شود.)

این ابیات اشاره به حدیثی از رسول گرامی اسلام (ص) در باب شهادت امام حسین (ع) دارد؛ در روایت است هنگامی که امام حسین (ع) به دنیا آمد، پیامبر (ص) او را در آغوش گرفت و گریه‌کنان چنین فرمودند: «أخبرني جبريل أن أمي ستقتل ابني هذا...» (المستدرک علی الصحیحین، ج ۳: ۱۷۷)

شاعر در جای دیگری به روایتی از امام حسین (ع) اشاره نموده که امام (ع) آن را در پاسخ به نصیحت کسانی گفته بود که او را از رفتن به عراق نهی کرده بودند. امام در پاسخ به ایشان گفته بود رسول خدا(ص) را در خواب دیده است که دستور الهی حرکت و خلق این حماسه جاویدان را به او ابلاغ نموده است:

مَا كُنْتُ تَجْهَلُ دَرْبَ الْعِرَاقِ مَدِيٍّ وَ طَيْفُ جَدِّكَ حَتَّى الْوَطَاءِ بِالْقَدَمِ

(همان: ۶۰)

(ترجمه: تو از پایان راه عراق، ناآگاه نبودی؛ در حالی که نور الهام آفرین جدت، تو را به حرکت در این مسیر تشویق نموده بود.)

متن حدیث روایت شده چنین است: «أتاني رسول الله في المنام فقال: يا حسين أخرج فإن الله شاء أن يراك قتيلًا» (بحار الانوار، ج ۴۴: ۳۶۴ / اللهوف، ج ۲: ۶۳ / مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۷: ۳۹۷).

۸-۲. حدیث یوصی بالجار

أَيُّنَ ذَاكَ الْجَبَّارُ، سَمَّوَهُ جَارًا
عَفُو طَه، فَلَنْعَنَ الْجِيرَانَا

(همان: ۷۴)

(ترجمه: این چه ستمگرى است که او را همسايه نام نهاده‌اند؟ اى طه (از القاب رسول گرامى اسلام) ما را ببخش که همسايگان اين چينى (رژيم اشغالگر قدس) را لعنت مى‌فرستيم.)
که اشاره به اين حديث شريف پيامبر (ص) دارد: «ما زال جبريلُ يوصي بالجار حتى ظننتُ أنه سيورثه» (مكارم الأخلاق ابن ابى الدنيا، ج ۱: ۱۰۱)
۲-۹. پارسايى و ديندارى

لولا التَّقَى و الدِّينُ، لَانْهَمَرْتُ عَلَى كَفَيْكَ اَعْتاقُ، وَ جُنَّ حِمَامُ

(همان: ۲۵)

(ترجمه: اگر پارسايى و ديندارى تو نبود، خون‌هاى فراوانى بر دستان تو جارى مى‌شد و مرگ از اين مسأله ديوانه مى‌شد.)
که اشاره به اين سخن امام على (ع) دارد: «لولا التقى و الدينُ لكانتُ أدهى العرب» (أعيان الشَّيعة، ج ۱، ص ۳۵۰)

۲-۱۰. ثروتمندان و حقوق فقيران

مَا جَاعَ مِنَّا فَقِيرٌ، طَوَّعَ سَاعِدِهِ إِلاَّ بِمَا مُتِعْتَ اَشْداقُ مَنْ نَهَبُوا

(همان: ۴۱)

(ترجمه: هيچکدام از ما به اراده‌ى خود فقير نشده است، مگر به سبب آنکه کناره‌هاى دهان چپاولگران پُر از غذا بوده است؛ فقر ما مسلمانان به خاطر ستم ستمکاران بوده است.)
مضمون بيت اشاره به اين سخن امام (ع) در نهج البلاغه دارد: «ما جاء فقيرٌ إِلاَّ بما مَتَّعَ به غنيٌّ و الله تعالى سائلهم عن ذلك» (نهج البلاغه، ح ۳۲۸/دانش‌نامه اميرالمؤمنين، ج ۴: ۱۴۲)
۲-۱۱. سلامت دين و حفظ اسلام

مَا نَارٌ فِي سَيِّدِ الرَّهَادِ نَائِرُهُ سَلَامَةُ الدِّينِ أَشْهَى مِنْ إِمارَتِهِ

(همان: ۵۱)

(ترجمه: سخنان تحريك‌آمیز قيام‌کننده آنان در شخصيت سرور زاهدان تاثيرى نگذاشت؛ زيرا براى وى حفظ و سلامتى دين از داشتن امارت و حکومت، مهمتر است.)
اين سخن، اشاره به اين سخن امام (ع) به هنگام همراهى با خلفا و به منظور پرهيز از تفرقه و فتنه در قلمرو امت اسلامى بيان شده است: «سلامة الدين أحبُّ إلينا» (نهج البلاغه، خ ۶۵)
جوزف، همين مضمون را با بهره‌گيرى از نهج البلاغه در جاى ديگرى چنين بيان نموده است:
مَا هُمْ أَنْ يَسْتَجِزَّ الْعَيْنَ، مَا سَلِمَتْ لِلْمُسْلِمِينَ أُمُورٌ، وَ انْجَلَّتْ نُوبٌ

(همان: ۳۶)

(ترجمه: برايش اهميتى ندارد که زيان ببيند، مادامى که امور مسلمانان به سامان باشد و مصيبت‌ها برطرف گردند.)

شاعر در «ما سلمت للمسلمين أمور» اشاره به سخن امام (ع) در روزگار سکوت و خانه‌نشيني و بيعت با خلفا به جهت حفظ نظام اسلامى دارد:

«لَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنِّي أَحَقُّ بِهَا مِنْ غَيْرِي وَ وَاللهِ لَأَسْلَمَنَّ مَا سَلِمَتْ أُمُورُ الْمُسْلِمِينَ وَ لَمْ يَكُنْ فِيهَا جَوْرٌ إِلاَّ عَلَيَّ خَاصَّةً اَلْتِمَاساً لِأَجْرِ ذَلِكَ وَ فَضْلِهِ وَ زُهداً فِيمَا تَنَافَسْتُمُوهُ مِنْ زُحُوفِهِ وَ زُرْبِجِهِ» (نهج البلاغه، خ ۷۴)
(ترجمه: سوگند به خدا! به آنچه انجام داده‌ايد، گردن مى‌نهم تا هنگامى که اوضاع مسلمين رو به راه باشد، و از هم نياشد، و جز من به ديگرى ستم نشود، و پاداش اين گذشت و سکوت و فضيلت را از خدا انتظار دارم، و از آن همه زر و زيورى که به دنبال آن حرکت مى‌کنيد، پرهيز مى‌کنم.)

و اين سخن شاعر نيز در همين مضمون است. آنجا که به جريان معروف «حکمت» و ستم جامعه اسلامى در حق فرزندان امام (ع) نيز اشاره مى‌کند:

يَا زَاهِدًا بِالْحُكْمِ وَ التَّحْكِيمِ مَا سَلِمَتْ أُمُورُ الْمُسْلِمِينَ وَ قَامُوا

(همان: ۳۶)

(ترجمه: ای زاهدی که به حکومت و حکمیت دلبستگی و نیازی نداشتی، بعد از تو، نه تنها امور مسلمانان اصلاح نشد، بلکه (علیه فرزندان تو) نیز قیام کردند.)

شاعر در این بیت به ماجرای «حکمیت» اشاره نموده است که در جریان آن، ابوموسی اشعری از معاویه و عمروعاص فریب خورده و خلافت مسلمانان را به معاویه واگذار کرد. این ماجرا در آثار تاریخی فراوانی نقل گردیده است. (ر. ک: نجفی ایوکی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰۸، به نقل از: دینوری، ۱۹۶۰: ۱۸۸-۱۹۶ / نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲: ۴۸۷-۵۴۶)

این جریان تاریخی در خطبه‌های نهج البلاغه نیز بازتاب یافته است:

امام (ع) در پاسخ خوارج که ماجرای حکمیت را نمی‌پذیرفتند، قبل از ورود به شهر در نزدیکی کوفه فرمود: «إِنَّا لَمْ نُحْكَمْ الرِّجَالَ، وَ إِنَّمَا حَكَمْنَا الْقُرْآنَ. هَذَا الْقُرْآنُ إِنَّمَا هُوَ حَظٌّ مَسْئُورٌ بَيْنَ الدَّقَّتَيْنِ، لَا يَبْطُقُ بِلِسَانٍ، وَ لَا يُدْأَى لَهُ مِنْ تَرْجَمَانٍ. وَ إِنَّمَا يَبْطُقُ عَنْهُ الرِّجَالُ. وَ لَمَّا دَعَانَا الْقَوْمُ إِلَيَّ أَنْ نُحْكَمَ بَيْنَنَا الْقُرْآنَ لَمْ نَكُنْ الْفَرِيقَ الْمُتَوَلِّيَ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى، وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «فَإِنْ تَنَارَ عَنَّمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ». فَرُدُّهُ إِلَى اللَّهِ أَنْ نُحْكَمَ بِكِتَابِهِ، وَرُدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ أَنْ نَأْخُذَ بِسُنَّتِهِ؛ فَإِذَا حُكِمَ بِالصِّدْقِ فِي كِتَابِ اللَّهِ، فَحُجِّنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِهِ، وَ إِنْ حُكِمَ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَحُجِّنْ أَحَقُّ النَّاسِ وَ أَوْلَاهُمْ بِهَا. وَ أَمَّا قَوْلُكُمْ: لِمَ جَعَلْتَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ أَجْلاً فِي التَّحْكِيمِ؟ فَإِنَّمَا فَعَلْتُ ذَلِكَ لِتَبْيِينِ الْجَاهِلِ، وَ يَتَبَيَّنُ الْعَالِمُ؛ وَ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يُصْلِحَ فِي هَذِهِ الْهُدْنَةِ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ وَ لَا تُؤْخَذُ بِأَكْطَامِهَا، فَتَعْجَلَ عَنِ تَبْيِينِ الْحَقِّ، وَ تَنْقَادَ لِأَوَّلِ الْعِيِّ». (نهج البلاغه، خ ۱۲۵) (ترجمه: ما افراد را داور قرار ندادیم، تنها قرآن را به حکمیت (داوری) انتخاب کردیم! که آنها بر سر نیزه کرده و داوری آن را می‌خواستند. این قرآن خطی است نوشته شده که میان دو جلد پنهان است، زبان ندارد تا سخن گوید، و نیازمند به کسی است که آن را ترجمه کند، و همانند انسان‌ها می‌توانند از آن سخن گویند و هنگامی که شامیان ما را دعوت کردند تا قرآن را میان خویش داور گردانیم ما گروهی نبودیم که به کتاب خدای سبحان پشت کنیم، در حالی که خداوند بزرگ فرمود: «اگر در چیزی خصومت کردید آن را به خدا و رسول بازگردانید». بازگرداندن آن به خداوند این است که کتاب او را به داوری بپذیریم و بازگرداندن پیامبر این است که سنت او را انتخاب کنیم، پس اگر از روی راستی به کتاب خدا داوری شود، ما از دیگر مردمان به آن سزاوارتریم و اگر در برابر سنت پیامبر تسلیم باشند، ما بدان اولی و برتریم. اما سخن شما که چرا میان خود و آنان برای حکمیت (داوری) مدت تعیین کردیم؟ من این کار را کردم تا نادان خطای خود را بشناسد و دانا بر عقیده‌ی خود استوار بماند و این‌که شاید در این مدت آشتی و صلح خدا، کار امت را اصلاح کند و راه تحقیق و شناخت حق باز باشد تا در جستجوی حق شتاب نوزند و تسلیم اولین فکر گمراه‌کننده نگردند.)

شاعر در ضمن بیان این مباحث قرآنی و تاریخی، مخاطبان را به دو اصل اساسی فرا می‌خواند:

الف. پیروی از سیره مبارک اهل بیت(ع)

ب. مبارزه و جهاد علیه رژیم اشغالگر قدس.

به عنوان نمونه، شاعر در قصیده «الإنسان الكوني» پس از برشمردن فضیلت‌های امام علی (ع) در پرتو تاریخ و حدیث، در خطاب به ایشان چنین می‌سراید:

- ۱ . أَوْ لَسْتُ رَمْزًا لِلصُّمُودِ وَ صِرْحَةً
لِلْحَقِّ؟ أَنْتَ الْمَوْعِدُ الْبِسَامُ ...
- ۲ . إِنِّي دَكْرُتُكَ فِي الشَّهَادَةِ وَ الْوَعَى
وَ عَلَى يَدَيْكَ يُزْعَرُ الصَّمْصَامُ
- ۳ . هَبْنِي وَ مِضْكَ فِي الْجَنُوبِ مَقَاوِمًا
لَا الْمَوْتُ يَزِدُّعْنِي، وَ لَا
اسْتِسْلَامُ ...

(همان: ۲۵)

(ترجمه: ۱. آیا تو رمزى برای ابستادگى و فریادى برای راه حق نیستى؟ (هستى) تو همان وعده‌گاه شادى هستى. ۲. من تو را در شهادت و نبرد یاد نموده‌ام، در حالى که در دستانت شمشیر برنده‌ای فریاد برمی‌آورد. ۳. پرتویی از نورت را بر من ارزانی دار، تا در جنوب پیوسته مقاوم بمانم که آنگاه، نه مرگ مرا بازمی‌دارد و نه سازش.)

یا به عنوان نمونه‌ی دیگر در همین قصیده به پیوند میان حماسه‌ی حسینی و مقاومت جنوب مردم لبنان می‌پردازد:

۱. يَا كَرْبَلَائِي الْجَنُوبِ، سَكَبَتْهَا رُوحًا، بَحْتُ جُمُوحَهَا الْإِقْدَامُ
 ۲. يَا كَرْبَلَائِي الْجَنُوبِ، لَكَ الْمَدَى الْعُمُرُ لَا شَيْبَ وَلَا أَعْوَامُ
 ۳. تَمَضِي ... وَشَلَّ الشَّهَادَةَ هَادِرٌ حَتَّى أَقْتَفْتُ آثَارَهَا الْأَقْدَامُ

(همان: ۲۶-۲۷)

(ترجمه: ۱. ای کربلای جنوب من! روحی را در آن روانه نموده‌ای که پایداری، سرکشی آن را، تشویق می‌کند. ۲. ای کربلای جنوب من! تو را عمر طولانی است که نه پیری در آن دیده شود و نه گذر سال‌ها. ۳. (اندوه زندگی) بر تو می‌گذرد ... و آبشار شهادت، همچنان (در جریان) است تا آنجا که گام‌ها (دیگر مبارزان)، نشانه‌های آن (شهادت) را دنبال می‌کنند.)

و در قصیده «در گرامیداشت اهل بیت (ع)» نیز جامعه‌ی اسلامی را به پیروی از سیره‌ی اهل بیت (ع) فرا می‌خواند:

۱. يَا أَيُّهَا النَّاسُ، مَسْرَاكُم بِقُدُوتِكُمْ مَنْ يَسْتَشِفُّ بِأَهْلِ الْبَيْتِ يَغْنَمُ
 ۲. تَوَسَّلُوا خَطْوَهُمْ فِي الْعَالَمِينَ هُدًى لَا يَسْتَقِيمُ لَكُمْ حَقٌّ بَعِيرِهِمْ...

(همان: ۶۷)

(ترجمه: ۱. ای مردم! سرنوشت شما به پیروی از الگوی شماس است. هر که از اهل بیت (ع)، تندرستی و نجات بخواد، بهره‌مند می‌شود. ۲. در دو جهان به راه ایشان، به عنوان هدایت‌گران، توسل جویید؛ چراکه بدون ایشان برای شما، حقی استوار نمی‌شود.)

در قصیده «عروسی قانا» نیز پیوندی زیبا از حماسه‌های علوی و حسینی با جریان مقاومت مردم جنوب عرضه می‌دارد:

۱. أَيَّتَكَ الْيَوْمَ، ذَا الْفَقَارِ صَلِيلًا هَاشِمِيًّا، يُحَطِّمُ الْأَوْتَانَا؟ ...
 ۲. يَا جَنُوبًا فَدَنَّاكَ أُمَّةً غَرِبَ كُنْتُ فِي رَفْعِ مَجْدِهَا الْفُرُيَانَا
 ۳. مَلْحَمِي الْجِهَادِ، تَسْكُبُ رُوحًا كَرْبَلَائِيَّةً تَهْزُ الرِّمَانَا

(همان: ۷۶)

(ترجمه: ۱. ای صاحب ذوالفقار! تو امروز با آن شمشیر آخته‌ی هاشمی که بت‌ها را در هم بشکند، کجایی؟ ۲. ای سرزمین جنوبی که امت عرب، تو را قربانی نمود، تو قربانی شکوه و عزتمندی (قوم) عرب شده‌ای. ۳. تو جهادی حماسی‌گونه هستی؛ روحی کربلایی را جاری می‌سازی که تمام زمانه را تکان می‌دهد.)

نتیجه‌گیری

۱. روش جوزف الهاشم در کاربرد قرآن کریم و حدیث شریف بر دو گونه اقتباس سنتی و نوین است و بسامد اقتباس سنتی بیشتر از گونه دوم است؛ یعنی شاعر قرینه‌ها و الفاظ روشن و دقیقی از حدیث مورد نظر را به مخاطبان ارائه می‌دهد. وی در این شیوه به همان سبک و روش شاعران کلاسیک ادب عربی گام برداشته است. مضمون‌های شعری که ایشان در استفاده از قرآن و حدیث بر آنها تأکید

ورزیده است، بیشتر در پنج زمینه قابل بررسی است: ۱. موضوع ولایت و خلافت امام علی (ع). ۲. پیوند جریان‌دهی تاریخی صدر اسلام با چالش‌های کنونی جوامع اسلامی. ۳. تبیین فضیلت‌های اهل بیت (ع) و فراخوانی مخاطبان به تحقیق و بصیرت. ۴. موضوع شهادت امام حسین (ع) و تأکید بر الگوبرداری از این حماسه در مسیر مقاومت. ۵. پیوند ادب‌پایداری با حدیث شریف و آموزه‌های روایی.

۲. هدف‌های اصلی شاعر در استفاده از آموزه‌هایی قرآنی - روایی در دو بُعد قابل تقسیم است: بُعد نخست: برشمردن حقیقت تاریخی موضوع مورد تأکید، بویژه آنچه مربوط به مذهب شیعه و خلافت اهل بیت (ع) است. در بُعد دوم: شاعر با مهارت و توانایی توانسته است میان موضوع آیات قرآنی و احادیث و جریان‌های انحرافی صدر اسلام با دشواری‌ها و چالش‌های کنونی جهان اسلام، بویژه عرصه‌ی مقاومت و پایداری در برابر غرب و رژیم صهیونیستی، پیوندی نوین برقرار نماید. پایداری در مفهوم واقعی کلمه، بن‌مایه‌ی اساسی بیشتر شعرهای جوزف الهاشم است؛ از این‌رو، استفاده از آموزه‌های روایی در پرتو تأکید بر محور اصلی شعری؛ یعنی، ایستادگی و پایداری شجاعانه در برابر ستم و باطل و تأکید بر بیداری و آگاهی بخشی به توده‌های ستمدیده است. آشکاری در بیان، جسارت در سخن، مفهوم واقعی پایداری را در شعر ایشان، تقویت و از دیگر معاصران ممتاز نموده است. جوزف، ضمن انتقاد از حاکمان عرب و نکوهش ایشان، دردها و رنج‌های امت اسلامی را به تصویر کشیده و مخاطبان را به مبارزه، جهاد، تأمل و ژرف‌اندیشی دعوت می‌کند. در فراخوانی‌های وی به مبارزه علیه باطل و ستم، روح حماسه و انتقاد و شجاعت و فریاد حاکم است. ایشان، تنها به بیان دشواری‌ها و چالش‌های موجود در جامعه اسلامی نمی‌پردازد، بلکه با بیان فضیلت‌های اهل بیت (ع) که در احادیث مشهور تجلی یافته است، مخاطبان را به وحدت، بصیرت، آگاهی، پایداری و مبارزه نیز فرا می‌خواند. بکارگیری ساختارهای خطابی استوار، تأکید بر نیازها و چالش‌های کنونی امت اسلامی؛ از جمله ویژگی‌های بارز شعر پایداری ایشان در پیوند با قرآن کریم و حدیث شریف است.

مصادر و مأخذ:

- قرآن كريم. (ترجمة محمد مهدي فولادوند)
 - نهج البلاغة. (ترجمة محمد دشتي)
 - ابن ابي الحديد، فخرالدين ابوحامد، (١٤١٥)، شرح نهج البلاغة، بيروت: مؤسسة الأعلمي.
 - ابن ابي الدنيا، عبدالله بن محمد (بيتا)، مكارم الأخلاق، القاهرة: مكتبة القرآن.
 - ابن الأثير الجزري، علي بن بن محمد (١٣٩٩)، الكامل في التاريخ، بيروت، دارصادر.
 - ابن حنبل، احمد (١٣٧٣)، مسند أحمد بن حنبل، تحقيق: أحمد محمدشكر، الطبعة الرابعة، مصر: دارالمعارف.
 - ابن سعد، محمد (بيتا)، الطبقات الكبرى، بيروت: دارصادر.
 - ابن طائوس، السيد علي بن موسى (١٣٨٤)، اللهوف على قتلى الطفوف، تهران: جهان.
 - ابن عساکر، علي بن حسين (١٤١٥)، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق: علي شيري، بيروت: دارالفكر.
 - أبو داود، سليمان بن الأشعث بن اسحاق بن بشير بن شداد (١٤١٦)، سنن ابي داود، تحقيق: محمد محيي الدين عبدالحميد، بيروت: المكتبة العصرية.
 - الأيمن، السيد محسن (١٤٢٠)، أعيان الشيعة، تحقيق: السيد حسن الأيمن، الطبعة الخامسة، بيروت: دارالتعارف.
 - الأيمن، عبدالحسين (بيتا)، الغدير، الطبعة الخامسة، بيروت: دارالكتاب العربي.
 - البخاري، محمد بن اسماعيل (١٤١٨)، صحيح البخاري، تحقيق: قاسم السماعي الرفاعي، الطبعة الثالثة، بيروت: دار الأرقم.
 - الحر العاملي، محمد بن حسن (بيتا)، وسائل الشيعة، بيروت: مؤسسة آل البيت.
 - زينيوند، تورج (١٣٩٠)، «مظاهر أدب المقاومة في شعر جوزف الهاشم»، نشریه ادبيات پايداری، دانشگاه شهيد باهنر کرمان، سال دوم، شماره ٤، صص ١٧٦-٢٩٧.
 - (١٣٩١)، «دراسة النقدية لقصيدة مشعل الثورتين؛ للشاعر جوزف الهاشم»، مجله نقد ادبي (پژوهش های زبان و ادبيات عرب)، دانشگاه شهيد بهشتی، شماره ٥، پیاپی ٤٣، صص ٧٥-٩٤.
 - (١٣٩٢)، «شخصية الإمام علي (ع) في الشعر المسيحي المعاصر؛ دراسة نموذجية: علويات لجوزف الهاشم»، مجلة اللغة العربية و آدابها، پردیس قم دانشگاه تهران، دوره ٩، شماره ٣، صص ١٢٧-١٤٩.
 - سبحانی تبریزی، جعفر (١٤١٧)، رسائل و مقالات، قم: الجامعة الإسلامية.
 - صدرحاج سيدجوادى، احمد (منبع الكترونيكي)، ديرة المعارف تشيع، مؤسسه تحقيقات و نشر معارف اهل بيت.
 - الطبري، محمد بن جرير (بيتا)، تاريخ الأمم و الملوك، بيروت: مؤسسة الأعلمي.
 - مجلسی، محمدباقر (١٤٠٤)، بحار الأنوار، بيروت: مؤسسة الوفاء.
 - محمدی ری شهری، محمد (منبع الكترونيكي)، دانشنامه اميرالمؤمنين بر پایه قرآن و حديث، مؤسسه تحقيقات و نشر معارف اهل بيت.
 - مطهری، مرتضی (١٣٧٤)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.
 - نجفی آیوکی، علی و دیگران (١٣٩٢)، «بینامتنی سروده های جوزف الهاشم مسیحی با نهج-البلاغه»، فصلنامه ادبیات دینی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دوره ٢، شماره ٥، صص ١٠٣-١٢٦.
 - نوري، حسين بن محمدتقي (١٤٠٨)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت.
 - النيسابوري، الحاكم (١٤٢٢)، المستدرک على الصحيحين، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
 - النيشابوري، مسلم بن الحجاج (١٤١٦)، صحيح مسلم، بيروت: دار ابن حزم.
 - الهاشم، جوزف (١٩٩٩)، علويات: قصائد من وحي الإمام علي، الطبعة الأولى، بيروت: مؤسسة المعارف للطباعة والنشر.

- الوشنوی، قوام الدین (بی‌تا)، حدیث الثقلین، القاهرة: دارالتقريب، و مطبعة مخيمر.
- اليعقوبي، أحمد بن ابي يعقوب (۱۳۷۹)، تاريخ اليعقوبي، بيروت: دارصادر و داربيروت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني